



احمد غلامی

با دو رویکرد ماهیت‌باورانه و کارکردگرایانه می‌توان به سراغ تاریخ رفت. رویکرد ماهیت‌باورانه نگاهی افلاطونی به تاریخ دارد؛ یعنی هر پدیده‌ای سایه کمرنگی از اصل خود است و از هر پدیده‌ای اصلی وجود دارد که ثابت و ازلی است. هانس بلومبرگ، کارل اشمیت و کارل لویوت را به این نگاه افلاطونی متهم می‌کند. او باور دارد نگاه آنان به تاریخ، سنتی و برخاسته از نگاهی افلاطونی است. اگرچه کتاب‌های «معنا در تاریخ» و «از هکل تا نیچه» کارل لویوت در ایران ترجمه و منتشر شده، اما چون او سیاست‌گریز بوده کمتر در ایران شناخته شده است. کارل لویوت معتقد است دنیای مدرن مشروعیت ندارد و هر چه دارد از مسیحیت و کلیسا غصب کرده است. کارل اشمیت هم جمله‌ای نزدیک به این مضمون دارد که بسیار شنیده شده است: «همه مفاهیم مهم نظریه مدرن دولت، صورت سکولار مفاهیم الهیاتی اند... ملاحظه معنی وضع استثنائی در فلسفه حقوق، با معنای معجزه در الهیات، قابل قیاس است». کارل اشمیت معتقد است با آگاهی از این قیاس‌ها می‌توان تحول مفاهیم را در تاریخ تشخیص داد؛ ایده‌هایی که دولت مدرن را شکل داده‌اند. در واقع کارل لویوت و کارل اشمیت هر دو برای مفاهیم مدرن ریشه‌های الهیاتی قائل هستند و سیاست از منظر کارل اشمیت بیش از هر چیز وام‌دار الهیات است؛ هم در ساختار حکومت و هم در قانون‌گذاری. از همین منظر است که این دو فیلسوف مشروعیت دوران مدرن را نمی‌پذیرند و تاریخ مستقلی برای آن قائل نیستند. برخلاف آنان، هانس بلومبرگ معتقد است دوران مدرن در مسیحیت ریشه دارد، اما مفاهیم دوران مدرن مستقل از این دوران مشروعیت دارند. اگرچه هنوز به بلوغ خود نرسیده و تاخیر بنیادینی داشته باشند. حالا پرسش اساسی اینجاست که این دستگاه‌های فکری به چه کار ما می‌آیند؟ با اینکه ما در فرایند این دوران تاریخی نبوده و غایب بوده‌ایم، برخی به‌جد باور دارند که این فرایند یک فرایند جهانی نیست، بلکه فرایندی غربی و یهودی-مسیحی است. با فرض اینکه این‌گونه باشد، مطالعه و پژوهش این فرایند می‌تواند راهبردهای اساسی در اندیشه سیاسی ما بکشد تا شرایط کنونی‌مان را دقیق‌تر تبیین کنیم. فهم اینکه خاستگاه سیاست امروز ایران کجاست و از کدام خاستگاه ریشه می‌گیرد، وابسته است یا مستقل از خاستگاه تاریخی خود، راه را برای مقاومت و مبارزه آگاهانه باز می‌کند. آنچه به آن نیاز داریم، خودآگاهی از وضعیت تاریخی خودمان و مواجهه با دوران مدرن است و مهم‌تر از آن درک این غیبت در تاریخ مدرن. طرح هر معیار و الگویی برای سیاست، با درک و فهم این غیبت است که عمق و معنای واقعی خود را پیدا می‌کند. و این درک و فهم به راهکارهایی می‌انجامد که اگرچه با خاستگاه عصر مدرن این همان نیست، اما ارزیابی واقع‌بینانه‌تری از شرایط ما به دست می‌دهد. با پژوهش در آثار متفکران و فیلسوفان این دوران است که می‌توان به معنای واقعی لیبرالیسم و مارکسیسم دست یافت. شاید اگر چپ مارکسیست ایران بعد از گذر از معبر این متفکران به احزاب چپ ایران می‌رسید، ما شاهد کردوکاری دیگری از احزاب چپ در ایران بودیم. شاید از سر همین نیاز بوده است که چپ نو ایران به سوی «مکتب فرانتکورت» کام برداشته است. در میان تحلیلگران سیاسی ایران، کارل اشمیت چهره شناخته‌شده‌ای است و بسیار به گفته‌های او درباره دولت و سیاست ارجاع داده می‌شود، خاصه به تعبیر مشهورش، «دوست و دشمن» در سیاست. اما به‌ندرت درباره خاستگاه این مفاهیم سخنی به میان می‌آید. با اینکه ساختار سیاست در ایران چندان بی‌شباهت به مفاهیم کارل اشمیت و کارل لویوت و در بعضی مواقع و دولت‌ها با تسامح به کارل مارکس نیست، اما برداشت عمیقی از این متفکران در سیاست داخلی ایران رواج ندارد. شاید از همین‌رو است که وقتی از نولیبالیسم در اقتصاد و سیاست سخن به میان می‌آید، چندان با وضعیت جفت‌وبست نمی‌شود و این تعبیر همچنان با هواداران بی‌شمارش در آسمان و زمین معلق مانده است. بدون عبور از معبر تاریخی الهیات سیاسی در ایران و در قیاس با وضعیت جهانی آن، سیاست به معنای عمیق آن عقیم و در سطح می‌ماند. آیا ما به تاریخ رویکردی ماهیت‌باورانه داریم یا رویکردی کارکردگرایانه همچون هانس بلومبرگ؟ یکی از مفسران بلومبرگ درباره برداشت او از تاریخ می‌گوید: «تاریخ خیابان عریض و طولی نیست که در دو طرف آن، ماهیت‌های ثابت و دست‌نخورده سنت را جابه‌جا کنند.

شنبه ۴ اسفند ۱۴۰۳
۲۳ شعبان ۱۴۴۶
۲۲ فوریه ۲۰۲۵
سال بیست‌ویکم
شماره ۵۰۵۶
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه



ارزیابی آنچه در سال ۱۴۰۴ خواهد گذشت
طی گفت‌وگویی با مهدی مطهرنیا
سال تصمیمات سخت
برای تهران؟

۳



در «شرق» امروز می‌خوانید: رئیس انجمن صنعت ساختمان و رئیس کمیسیون قضائی مجلس مقررات بخش مسکن را بررسی کردند • پاسخ تواینر به گزارش «شرق»

مشکل ارز و تلاش تندروها برای استیضاح؛ پشت پرده سیاسی یک تصمیم

همتی در چاله اقتصاد یا سیاست



انتخابات سرنوشت‌ساز آلمان فردا برگزار می‌شود

رقابتی چهارجانبه برای آینده اروپا

در همین زمینه پرونده ویژه انتخابات آلمان را بخوانید

این گزارش را در صفحه‌های شوم بخوانید. عکس: Gettyimages

برگزیده‌ها

نخست‌وزیر جمهوری ارمنستان:

مقدمات وزمینه‌های صلح موجود است

۵

«شرق» وضعیت اجرای تعهدات قانونی دولت برای تأمین یک حق مهم را بررسی کرد

حق سلامت ایرانیان در خطر تهدید

۱۰

«شرق» از اظهارات کرویسی در آستانه برگزاری نشست فصلی شورای حکام و پاسخ تهران گزارش می‌دهد

گسل برای نشست پیش‌رو

۳

نگاهی به داده‌های تحلیلی درباره هشک (اخراج افغانی مطالبه ملی) که از کجا شروع شده است

تولید خشوتی ساماندهی شده

۸

نگاه

انواع مصنوعی بودن یک هوش

یادداشتی از امیر ناظمی

۱۲

یادداشت

عبور



رامین خسروخوار

روزگار غربی است، در دنیای این روزهای ما در ایران عزیزمان ناترازی انرژی چون شبی تیره بر سپهر اقتصاد سایه افکنده و ابری تیره بر آسمان توسعه گسترده است. این ناترازی نه‌تنها چنان سدی در برابر پیشرفت ایستاده، بلکه سرمای زمستان و گرمای تابستان را بر جان و دل مردمان دشوار ساخته است. راه برون‌رفت جز با تدبیر و شجاعت میسر نخواهد شد. ناترازی این دیو درهمزن نظم و نسق مالی، جز با چراغ هدایت و همت زنان و مردان دوراندیش و عاشق مهار نتوان گشت.

بخش خصوصی، چنان خورشیدی در پس ابر، توان آن را دارد که با پرتو خرد و کوشش، شب تیره ناترازی را به سپیده‌دمی روشن بدل سازد.

۴
ادامه در صفحه ۴

یادداشت

مشکل دولت پزشکیان کجاست؟

تئوری که نوعی بیان خلاصه، خردمندانه و منطقی حاصل از اندیشیدن درباره موضوعی خاص است، ابتدا یک «نقشه راه» می‌سازد و بعد وارد جزئیات در هر موضوعی (اینجا غذاهای مختلف) می‌شود و بسته به پخت هر غذا، ابزارهای مناسب را اختیار می‌کند. در این روش، آشپزی کردن متکی بر ابزار نیست، مثلاً پخت غذا متکی بر این نیست که از اجاق گاز یا هیزم یا چراغ قدیمی سه فیله‌ای یا موج‌بیز (مایکروویو) استفاده شود، بلکه ابزار براساس امکانات در دسترس انتخاب می‌شود و هرکدام از این ابزارها، فقط نهایتاً می‌تواند کار را ساده‌تر کند و البته و قطعاً در طعم و مزه غذا هم تأثیر خواهند داشت. ولی هیچ‌کدام، تئوری تغذیه را دگرگون نمی‌کنند. من خود نیز وقتی مستطاب آشپزی را دیدم، تصمیم گرفتم با همین دیدگاه کتاب‌هایم را بنویسم. مثلاً برای نوشتن کتاب‌های هندبوک «آموزش عکاسی» یا «آموزش طراحی پوستر»، به این دقت کردم که معمولاً از یک عکاس که عکس خوبی گرفته، می‌پرسند این عکس را با چه دوربینی گرفته‌ای؟



مهداد احمدی‌شیخانی

نمی‌دانم که تا حالا کتاب «مستطاب آشپزی، از سیر تا پیاز» مرحوم نجف دریابندری را دیده‌اید یا خیر؟ مرحوم نجف دریابندری از خطه و سرزمینی می‌آید که در آن آشپزی برای مردم، یک ویژگی خاص نیست، بلکه یک ضرورت است. برای همین در بین مردمان جنوبی و در اینجا «آبادان-خرمشهر»، خیلی عادی است که در آشپزی، صاحب نظر و تئوری باشند و وقتی هم که می‌خواهند درباره آشپزی کتاب بنویسند، حاصل کارشان متفاوت از دیگر کتاب‌های آشپزی از آب درمی‌آید، چراکه آن را براساس یک تئوری و نظریه نوشته‌اند و برای همین، به کتاب «مستطاب آشپزی»، لقب «شاهنامه غذای ایرانی» داده‌اند و حاصل، کتابی است که شنیده‌ام در زبان‌های دیگر هم مشابهی داشته باشد. اما چرا چنین است؟ به گمان من به دلایلی که در بالا اشاره کردم، یعنی تدوین یک کتاب کاربردی آشپزی براساس نظریه و تئوری آشپزی و تغذیه، به‌علاوه آن، ادبیات خاص و طراز یک فرد جنوبی با سابقه‌ای سیاسی و فلسفی و زندان و مبارزه ... و به‌واقع، مرحوم دریابندری با تکیه بر نظریه یا همان

اوکراین و افغانستان؛ ۲ جغرافیا و یک سرنوشت



محمدحسین عمادی

سرنوشت باورناپذیر جنگ اوکراین بر اثر تغییر یکباره مواضع آمریکا، یادآور ترک قوای نظامی آمریکا از افغانستان در سال ۲۰۲۱ بود. این مشابهت شاید گویای مشترکات بیشتری بین تاریخ و ژئوپلیتیک این دو کشور باشد.

اوکراین و افغانستان، با وجود تفاوت‌های فراوان تاریخی و فرهنگی، هر دو از نظر جایگاه استراتژیک در منطقه حساسی قرار گرفته‌اند که بیش از یک قرن سوزین و مردم آنها را به عرصه رقابت قدرت‌های بزرگ جهانی تبدیل کرده است.

اوکراین به‌عنوان پل ارتباطی بین اروپا و روسیه، همواره در کانون تحولات و مرکز تنش‌های غرب و مسکو بوده است. عضویت در ناتو یا اتحادیه اروپا، به معنای تهدید مستقیم امنیت روسیه تلقی می‌شود. از سوی دیگر، روسیه اوکراین را بخشی از «تمدن روسی» می‌داند و الحاق کریمه در ۲۰۱۴ و جنگ در دونباس از نمونه‌های بارز این تنش‌هاست.

افغانستان قرن‌هاست که به «کورستان امپراتوری‌ها» شناخته می‌شود و در تقاطع خاورمیانه، آسیای مرکزی و جنوب آسیا قرار دارد. موقعیت جغرافیایی آن، این کشور را در دو قرن گذشته به کانون منازعات امپراتوری‌های انگلیس و روس و سپس به میدانی رقابت آمریکا و شوروی در جنگ سرد تبدیل کرد. اشغال افغانستان به دست شوروی (۱۹۷۹-۱۹۸۹) و سپس حمله آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر، نشان‌دهنده اهمیت ژئوپلیتیک این کشور برای کنترل منطقه است.

اگر به مشترکات کلیدی کابل و کی‌یف بپردازیم، شاید هر دو کشور فاقد مرزهای امن طبیعی‌اند و از طرفی به قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای و همسایه‌های خود وابسته‌اند.

تاریخ آنها آکنده از مداخلات خارجی و جنگ‌های نیابتی است. موقعیت ترانزیتی (انرژی برای اوکراین، تجارت برای افغانستان) آنها را به ابزاری در دست بازیگران جهانی تبدیل کرده است. شاید جبر جغرافیایی این دو کشور و هویت تاریخی-فرهنگی خاص آن همراه با منابع و معادن سرشار طبیعی، نیازمند راهبردی خاص در تبیین منافع ملی و سرنوشت این دو کشور است. به نظر بسیاری از کارشناسان بین‌المللی، موازنه منفی در جهان چندقطبی جدید، راهبرد مناسبی برای حفظ حاکمیت ملی در این‌گونه کشورهاست.

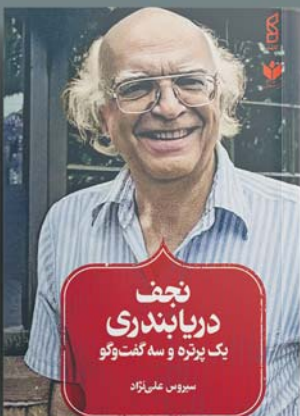
اصطلاح موازنه منفی (Negative Balancing) به معنای خودداری از پیوستن به اتحادیه‌های نظامی یا سیاسی تحت رهبری قدرت‌های بزرگ است تا از تبدیل‌شدن به میدان نبرد آنها جلوگیری شود. این استراتژی با تکیه بر هویت ملی و توسعه درون‌زا و

۴
ادامه در صفحه ۴



نشر کاغذ با همکاری انتشارات کتاب شرق منتشر کرد نجف دریابندری: یک پرتره و سه گفت‌وگو

کتاب «نجف دریابندری: یک پرتره و سه گفت‌وگو» از سیروس علی‌نژاد را می‌توان شناخت‌نامه یکی از بزرگ‌ترین و معتبرترین مترجمان ادبیات فارسی به شمار آورد. اعتبار و شهرت دریابندری محدود به کار ترجمه نیست، او منتقدی موشکاف در عرصه ادبیات و هنر، نویسنده‌ای چیره‌دست و ویراستاری دقیق بود که زندگی‌اش فرازونشیب فراوان داشت. گفت‌وگوی اول کتاب درباره زندگی نجف از خردسالان تا حوالی میان سالی است؛ حال و هوای زندگی خانواده نجف و پدر ناخداش، ماجرای عضویت در حزب توده و دردسرهای پس از آن، ریشه‌های علاقه‌مندی به ادبیات، یادگیری زبان، ترجمه کتاب در زندان و همکاری با مؤسسه فرانکلین و ابراهیم گلستان. گفت‌وگوی دوم بحث‌های نظری درباره ادبیات و هنر است و در گفت‌وگوی سوم، دریابندری به بحث‌های نظری و تجربیات عملی خود در کار ترجمه پرداخته است. در آخر نیز روایت علی‌نژاد از دریابندری، پرتره‌ای از این مترجم ترسیم می‌کند.



نجف دریابندری

یک پرتره و سه گفت‌وگو

سیروس علی‌نژاد

۴
ادامه در صفحه ۴